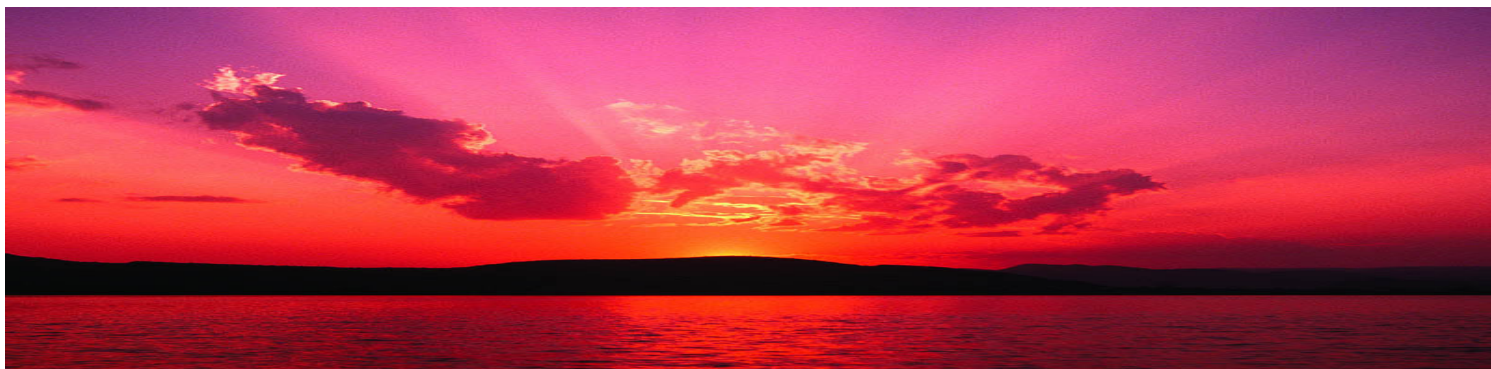


## اصالت کتب آسمانی



دستیابی به اراده خدا در مورد زندگی بشر و مفهوم و معنی آن بر اساس مکاشفه های الهی توسط پیامبران و انبیا است که اکنون بعنوان کتب آسمانی در دسترس ماست. با توجه به قدمت آنان و تاریخ تشکیل آن بشکل مجلدی واحد سوال پیش می آید که آیا این پیامها از دستخوردگی مصون مانده و کماکان اصالت اولیه خود را دارا می باشند یا خیر. نا گفته نماند که عده ای را عقیده بر آن است که با گذشت زمان و عدم توجه و مراقبت انسان تغییراتی در این پیامهای الهی بوجود آمده و نمی توان اعتماد کامل داشت به اینکه از دستخوردگی مصون مانده اند. تحقیق در این سوال برای کسب اطمینان بسیار ضروری است تا انسان در اصالت آنان شک و تردیدی نداشته باشد. اگر در اصالت آنها شکی نیست چرا دنیای مسیحی به کلیساهای متعدد با تعالیم متضاد تقسیم شده است؟ اگر مبنی و اساس تعالیم یکی است آیا مشکل صرفا در اختلاف عقیده مردم در تفسیر این پیامهاست؟

موقعیت زمانی کتب ملهم ایجاب مینماید که نظری به کتاب مقدس که شامل تورات موسی و صحف انبیا قبل از عیسی مسیح و در عین حال کتب عهد جدید است بیانداریم و تحقیقی در مورد اصالت آنان بنمائیم. در درجه اول آسمانی بودن کتاب مقدس را عده ای بر اساس نکات ذیل میدانند.

۱- اولاً شهادت خود انبیا و پیامبران در مورد پیامهای یکدیگر. برای مثال انبیا و پیامبران بعد از موسی، تورات یا پنج کتاب اول عهد قدیم را که موسی نگاشته است آسمانی می دانند و عیسی مسیح و حواریون او کتب انبیا و تورات را آسمانی بحساب آورده اند. در عین حال هر یک از این پیامبران و انبیا رسالتهای خود را بر اساس آسمانی بودن و انتخاب آنان باین مقام و رسالت مقدس شروع به ارشاد و هدایت بشر نموده اند.

۲- محتوای این کتب و وحدت پیامها دلیل بر آن است که مبدا و منشأ یکی است و خدای خالق است که از طریق این پیامهای الهی بشر را دعوت به توبه و برگشت بسوی خدا و شناخت و خدمت و عبودیت به او می نماید. با وجود اینکه از ظهور کتاب پیدایش اولین کتاب از صحف پنج گانه موسی تا کتاب مکاشفه یوحنا حواری مسیح تقریباً ۱۶۰۰ سال میگذرد و تفاوتهای فصاحت و بلاغت پیامها نمایشگر قدرت بیان ادبی افراد مختلفی است که دعوت الهی را لایق گفته اند مع الوصف وحدت کلام و هماهنگی متون پیامها وحدت مبدا و الهی بودن آنان را بثبوت میرساند. در مجموع همه با هم حقیقت خلقت بشر را به دست توانای الهی و چگونگی سقوط بشر در تمرد و نافرمانی و بالاخره طریق نجات بشر از سرگردانی و گمراهی و عودت بشر به نقشه الهی در خلقت او آشکار می نمایند و ضد و نقیض در پیامهای آنان دیده نمی شود و پیامهای یکدیگر را تأیید نموده و نوع بشر را به تبعیت از این پیامها دعوت می نمایند.

۳- در اکثر این صحف نبوتهایی در مورد وقایع آینده شده است. دسترسی به آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد از قدرت صرفاً بشری خارج است و وقوع دقیق این نبوتها نشانه از آسمانی بودن پیامهاست. برای مثال نبوتهای حضرت دانیال در مورد تاریخ آینده ملتها در باب دوم و هفتم رساله اش که در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح نگاشته شده میتواند به یاد آورد. این نبوتها را وقتی با وقایع تاریخی مقایسه می کنیم ایمان ما را به آسمانی بودن نبوتها تقویت می نماید.

فقط خداست که می تواند وقایع آینده را پیش گوئی کند. سرنوشت امپراطوری های بابل و یونان و روم و وضعیت ملت های کنونی جهان نتیجه غیر قابل انکار نبوت هائی است که در کتاب دانیال نبی ذکر گردیده است. نبوت های حضرت مسیح در فصل ۲۴ انجیل متی در مورد انهدام شهر اورشلیم آن زمان و معبد یهود و علائم آخر زمان با وقوع سیلها و زلزله ها و بیماری های علاج ناپذیر و جنگها و قحطیها از جمله نبوت هائی هستند که مو به مو به اجرا در آمده و آسمانی بودن پیام را اثبات می کنند.

۴- مندرجات علمی موجود در کتاب مقدس که در یکی دو قرن اخیر بشر به این اطلاعات دست یافته و وجود آنان در کتب ملهم ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال قبل جزء وحی شده از خدا نمی توانست منشاء دیگری داشته باشد آسمانی بودن این مراجع را باثبات میرساند. اطلاعاتی نظیر کروی و در فضا معلق بودن کره زمین، نقش خون در حیات موجود زنده و وزن هوا و اطلاعات دیگر علمی فقط در چند قرن اخیر بشر بدان دست یافته است.

۵- قدرت خارق العاده پیام های آسمانی موجود در کتب ملهم برای نفوذ در قلب بشر و تحولات شگرف که در زندگی افراد بوجود می آورد و از انسان خاطی و مجرم شخصی مصلح و نیکوکار و صادق میسازد و خود از آسمانی بودن این پیامها سخن میگوید. ندامت و پشیمانی برای گناهکاری و فساد و توبه و ورود بزندگی پاک و مقدس و پیروی از موازین اخلاقی و روحی تحولی است که در نتیجه اثر و نفوذ کلام الهی در دل انسان صورت می گیرد. با تمام این براهین همچنان سوال باقی می ماند که آیا این پیامها دست نخورده و اصیل بدست ما رسیده است یا خیر. در این مورد میتوان به نکات ذیل توجه نمود!

اولا چنانکه پیشتر اشاره شد نگارش کتب مقدس در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ سال طول کشید. اولین کتاب تورات در حدود ۴۰۰ یا ۴۵۰ سال قبل از مسیح نوشته شد و آخرین کتاب در عهد جدید که کتاب مکاشفه یوحنا است در سال ۹۴ بعد از میلاد نگاشته شد. کپی برداری متعدد از این صحف و انتشار آنان به نقاط مختلف دنیا مانع از این شد که چنانچه عده ای را علاقه به تحریف و تغییر این کتابها باشد عملا می توانند همه نسخ موجود را جمع آوری نموده چنین تغییر و تبدیلی عملی بسازند. تطابق کامل نسخ بدست رسیده از نقاط مختلف دنیا گواه بر این امر است. ثانيا علاوه بر تکثیر متعدد در قرن دوم تا چهارم مسیحی به زبانهای مختلف نظیر قبطی، ارمنی، لاتین و آرامی ترجمه شدند بنابراین جمع آوری و اتفاق در تحریف و تزویر غیر ممکن مینمود. ثالثا با توجه به اینکه علی رغم نبوت های صریح و روشن راجع به ظهور عیسی مسیح، یهود از شناخت او بعنوان مسیح موعود خودداری کردند و بالاخره باعث بر صلیب کشیده شدن او شدند هرگز دست کاری در این نبوتها نمودند و کماکان این نبوتها در تعداد زیادی از صحف انبیا و تورات موجوداند.

چنانچه یهود به چنین تحریفی در کتب مورد احترامشان به عنوان آسمانی وارد میکردند از نظر محققین امر مخفی نمی ماند و قبل از هر کس دیگری پیروان مسیح بر علیه چنین اقدامی قیام نموده و پرده از اسرار دستخوردگی بر می داشتند و در مقابل اگر مسیحیان قصد به تحریف کتب عهد جدید میداشتند این موضوع از چشم یهودیان که خود را منکر مسیح مبینند دنیای مسیحی را بعزت تحریف در کتب رسوا می نمودند. قابل توجه است که نسخ تقریبا تمام کتب عهد قدیم در طومار هائی از پوست حیوانات در تپه های نزدیک دریای میت کشف گردید. این طومار های قدیمی که با وسائل علمی غیر قابل انکار به سال ۲۰۰ قبل از میلاد مسیح تخمین زده شده اند و بنام طومار های غار کومران مشهور اند ثابت می نمایند که اساسا هیچ تفاوتی بین عهد قدیم موجود و این نسخه های قدیمی وجود ندارد و شهادتی بر اصالت کتب عهد قدیم محسوب می شوند.

نکته غیر قابل انکار این است که کلیه نسخ قدیمی چه عهد قدیم و چه کتب عهد جدید که به قرنهای قبل از میلاد مسیح برای صحف انبیا و قرون دوم تا چهارم بعد از مسیح برای صحف عهد جدید تاریخ زده شده اند در کشورهای خاورمیانه غیر مسیحی همچون مصر و اردن و سوریه پیدا شده اند و دسترسی دسته جمعی به آنان برای تحریف امکان پذیر نبوده است. نا گفته نماند که باری تعالی طبق شهادت کتب آسمانی قدرت حفظ کلامش از تحریف و تبدیل را دارد و لعنت خاصی برای کسانی که حتی فکر و قصد دست بردن در کتب مقدس را دارند اعلام نموده است.

حضرت عیسی مسیح کرارا از کتب عهد قدیم نقل قول نموده و لهذا اعتماد خود را نسبت به اصالت آن و عدم تحریف آشکار نمود. اگر تحریفی در کتب انبیا قبل از عیسی مسیح شده بود بدون شک از نظر او مخفی نمی ماند و پیروان خود را از این تحریف و تبدیل آگاه می نمود.

در دنیای مسیحی آزادی کامل برای بحث و تفسیر از متون کتاب مقدس وجود دارد و خاصه منکرین وجود خدا سعی دارند  
هیثیت و اعتبار کتب آسمانی را از بین ببرند. کتابهای متعددی در این زمینه نگاشته شده ولی با چنین آزادی و دسترسی بتمام  
ماخذ موجود هرگز نتوانسته اند مدعی تحریف کتاب مقدس شوند .